

چالش‌های طرح سازمان ملی مهاجرت در گفت‌وگو با کارشناس سیاستگذاری حوزه مهاجرت

ازدواج‌های اجباری، زودهنگام و غیررسمی بااتباع

در کمین زنان و دختران ایرانی



۲۲ آبان ماه بود که نمایندگان در نشست علنی مجلس با کلیات طرح تأسیس سازمان ملی اقامت با ۴۱ رأی موافق، ۹۱ رأی مخالف و هفت رأی ممتنع از مجموع ۲۴۸ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند، اما این طرح در همین چند روزی که از تصویبش می‌گذرد با طیف گسترده‌ای از انتقادات مواجه شده است که بخش مهمی از آن در حوزه ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی و فرزندان حاصل از این ازدواج‌هاست، به گونه‌ای که فاطمه قاسم‌پور، رئیس فراکسیون زنان در مجلس اطمینان داده بود، مجلس اهتمام دارد ابعاد مختلف این طرح و آثار آن در موضوع زنان و خانواده مورد توجه قرار گیرد و اصلاحات پیشنهادی خود را اعمال کند. در این زمینه سراغ فاطمه اشرفی، کارشناس سیاستگذاری حوزه مهاجرت رفته‌ایم تا در گفت‌وگو با وی این طرح را مورد واکاوی قرار دهیم.

■ ■ ■

طرح تأسیس سازمان ملی اقامت و وضعیت قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی یکی از موضوعات مناقشه‌بر انگیزی است که کلیات آن در مجلس تصویب شده اما انتقادات متعددی به آن وارد است. نظر شما درباره این طرح چیست؟

طرح سازمان ملی اقامت یا مهاجرت که از ادغام ناقص چند لایحه دولت و طرح مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است به دو بخش کاملاً مجزای مربوط به تشکیلات سازمان ملی مهاجرت یا اقامت و ساماندهی اتباع خارجی مقیم ایران از طریق اعطای اقامت‌های پلکانی که متأسفانه دارای ایرادات و اشکال فراوانی است تقسیم می‌شود که بدون در نظر گرفتن شرایط عمومی و اختصاصی کشور از نظر ظرفیت‌های زیسته، منابع مادی و سرمایه‌های طبیعی برای پذیرش و اداره میلیون‌ها خارجی در شرایط رکود اقتصادی و عدم دسترسی به منابع مالی و اقتصادی و نیز روند تنزیل دسترسی اتباع ایرانی به رفاه و خدمات اجتماعی از یک سو و شرایط شکننده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشورهای همسایه به خصوص افغانستان که بر اساس تمامی گزارش‌های معتبر منطقه‌ای و بین‌المللی در وضعیت سقوط کامل اقتصادی و اجتماعی و درگیری در بحران انسانی وحشی قرار دارد، تدوین شده است؛ شرایط نگران‌کننده‌ای که به خصوص در ۱۸ ماه اخیر روزبه‌روز بر ترک اجباری اتباع این کشور به سوی کشورهای همسایه می‌افزاید. در این میان بنیاد فراموش کرد به دلیل اعمال شرایط امنیتی از سوی سایر همسایه‌های افغانستان، عملاً تنها جمهوری اسلامی ایران بوده که مقصد میلیون‌ها اتباع افغانستان را تشکیل داده است، بدون اینکه از ظرفیت‌ها و حمایت‌های مناسب منابع بین‌المللی بهره‌برداری کند.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

مسئله ضرورت وجود تشکیلات منسجم و متمرکز برای کنترل، نظارت، اداره و ساماندهی امور مربوط به میلیون‌ها تبعه خارجی در کشور از جمله ضرورت‌هایی است که لاچار باید با وجه مثبت به آن نگرش داشت تا با ظرفیت و توانایی بالا امکان فعالیت و اقدامات مؤثری را داشته باشد اما نکته قابل توجهی که وجود دارد اینکه کلیات طرح فاقد انسجام لازم، مطالعات جمعیت‌شناسی از جامعه مهاجران مقیم ایران، آینده‌پژوهی و از همه مهم‌تر فاقد نیازسنجی‌های معتبر و پیوسته‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی لازم و کافی برای امر مهمی است که در تمام دنیا با حساسیت‌های فراوان و بر اساس منافع و امنیت ملی و نیز مطالعات عمیق مربوط به فایده‌هزینه‌های مترتب بر ورود، خروج، اقامت، اشتغال و سایر حوزه‌های مربوط به دسته‌بندی‌های اتباع خارجی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مانند ناآرامی‌های شهری را موجب شود که می‌تواند افزایش نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه میزبان و مهاجر و افزایش تنش‌ها و خشونت‌های اجتماعی میان جامعه میزبان و مهاجر را فراهم کند؛ موضوعی که در تمام دنیا با استفاده از مطالعات عمیق و کارشناسی حوزه مهاجرت ضمن دنبال کردن منافع حداکثری از پذیرش مهاجران خارجی و در عین حال رعایت کرامت و شأن انسانی آنها هستند، در کشور ما بر پایه تصمیمات احساسی، مقطعی، کوتاه‌مدت و منافع بخشی به تهدید غیر قابل جبران نه تنها برای کشور و مردم تبدیل می‌شود که نارضایتی بخش‌های قابل توجهی از مهاجران خارجی را نیز فراهم می‌کند. نمونه این دست تصمیم‌گیری‌های عجولانه و فاقد مطالعه اجتماعی و آینده‌پژوهانه در تصویب عجلانه قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان خارجی قابل رؤیت است.

در بحث اصلاح قانون تابعیت هم با انتقادات متعددی روبه‌رو بودیم. حالا که دو سالی می‌شود قانون جدید اجرایی شده، ارزیابی شما از این قانون چیست؟

بزرگ‌ترین ایرادی که به قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی که بدون مطالعات کارشناسی و صرفاً با جریان‌سازی رسانه‌ای و فضای مجازی در جامعه از سوی مجلس دهم به بار نشست، مشروعیت

حقوق سیاسی خواهد شد، داشتن سواد خواندن و نوشتن و اثبات داشتن درآمد کافی برای تأمین هزینه‌های زندگی شخصی یا خانوادگی است.

با توجه به چالش ازدواج زنان ایرانی با مردان اتباع، تبعات این طرح برای زنان چیست؟

نکته مهم این است که طرح بر اساس قوانین و مقررات اقامتی کشور آلمان به عنوان یک کشور صنعتی با نرخ رشد اقتصادی و درآمد سرانه داخلی بالا نگاشته شده است، بدون در نظر داشتن این نکته که اولاً این کشور در همسایگی کشورهای بحران‌خیز و بحران‌زده قرار ندارد که هر روز با موج جدیدی از جمعیت پناهجویان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای همسایه روبه‌رو باشد و ثانیاً به رغم تمام ادعاهای حقوق بشری در پذیرش پناهندگان آسیایی و خاورمیانه‌ای این کشور تمرکز خود را روی جذب و پذیرش نخبگان اقتصادی و اجتماعی از کشورهای مبدأ اقتصادی به نیازسنجی‌های عمیق و دقیق گذاشته است، به طوری که اولویت‌های جمعیت‌میزبان از نظر اشتغال و خدمات رفاهی مورد خدشه قرار نگیرد و از طرف دیگر حقوق مهاجران و پناهندگان پذیرفته‌شده نیز از نظر دسترسی به حداقل‌های رفاه و خدمات اجتماعی کاملاً رعایت شده است و ثالثاً ظرفیت‌های مالی و درآمد‌های بالای این کشور است که به راحتی امکان ارائه خدمات بهینه به گروه‌های مهاجر اعم از پناهنده و مهاجر اقتصادی را دارد؛ نکته دیگری که در قانون مصوب ۱۳۹۸ ندارد چراکه همچنان بر پایه تأیید و مشروعیت بخشی به ازدواج‌های غیرقانونی و شرعی زنان ایرانی با اتباع خارجی به زبان و بیان دیگری است، ازدواج‌هایی بی‌بنیان و پایانه که



در همه جای دنیا با شدت و ضعف‌های مختلف با قانون گریزی و سوءاستفاده از قانون روبه‌رو هستیم اما همیشه نظامات حکمرانی شایسته به دنبال شناسایی و کنترل حوزه‌های قانون‌گریز و افزایش محدوده‌های اعمال قانون، اصول و روابط قانونی در کشورهای شان هستند و حتی با وضع جرّاتیم و تنبیهات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تلاش می‌کنند از بروز رفتارها و کنش‌های غیرقانونی جلوگیری کنند

بخشیدن به ازدواج‌های شرعی و غیررسمی به ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی است. درج کلمه «شرعی» مربوط به ازدواج‌های زنان ایرانی با اتباع خارجی که قریب ۹۰ درصد از آنها را ازدواج زنان ایرانی با مردان کشورهای همسایه به تشکیل می‌دهد، عملاً موجب شده است هر گونه مکانیسم قانونی برای حمایت از زنان ایرانی در ازدواج با مردان خارجی ابر و ناکارآمد شود. در این قانون نه فقط حقوق زنان ایرانی ملاحظه نشد بلکه آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی این حوزه را نیز تشدید کرده است که نمونه آن افزایش ازدواج‌های غیرقانونی زنان و دختران ایرانی با اتباع خارجی، افزایش کودک همسری به ویژه در مناطق کمترتوسعه‌یافته مثل استان‌های مرزی ما که در معرض مهاجرت‌های غیرقانونی نیز قرار دارند، رواج پدیده زنان اجاره‌ای، خرید و فروش زنان و دختران ایرانی، جمل و تقلب در اسناد رسمی و دولتی شده است و همه این اتفاقات جدی و نگران‌کننده، در سایه قانونی است که قرار بود حقوق زنان ایرانی و فرزندانش در آن ملاحظه شود اما به فرصتی برای سوءاستفاده از زن ایرانی به منظور بهره‌گیری از ارزش افزوده‌های قانونی مترتب از ازدواج با وی تبدیل شده است.

طرح جدید مجلس شورای اسلامی که پیشنهاد لغو قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸ را داده، ماده دیگری را جایگزین کرده است که در عمل دست‌کمی از قانون مصوب ۱۳۹۸ ندارد چراکه همچنان بر پایه تأیید و مشروعیت بخشی به ازدواج‌های غیرقانونی و شرعی زنان ایرانی با اتباع خارجی به زبان و بیان دیگری است، ازدواج‌هایی بی‌بنیان و پایانه که

نتیجه‌ای جز انداختن زنان ایرانی در سراب بی‌انتهایی از نادیده انگاشته شدن‌های قانونی، اجتماعی و اقتصادی نداشته و ندارد؛ قانونی که تنها مردان خارجی هستند که بهره‌مندان واقعی آن شده‌اند. متأسفانه باز هم نگاه کارشناسانه به این مسئله صورت نمی‌گیرد. اینکه ما با بخواهیم مهاجر قبول کنیم درست است اما باید دید آیا این مدل مهاجرپذیری برای ما تهدید است یا فرصت؟

خرید و فروش دختران ایرانی مستند شده است، شناسنامه و تابعیت هستند. آیا این مسئله تبعات بیشتری ندارد؟

مشکل عمومی ما در بسیاری از سیاستگذاری‌ها بر خورد با یک پدیده یا عارضه اجتماعی، دچار آنچنان در شناساب‌دگی می‌شویم که بدون بررسی همه ابعاد و تالی فاسدشدن‌های پدیده، عوامل و علل ایجابی و آثار کوتاه‌مدت و درازمدتش، تصمیماتی می‌گیریم که نه تنها کمکی به حل آن پدیده و رفع عوامل ایجابی آن نمی‌کند بلکه با آثار نگران‌کننده‌تری نیز روبه‌رو می‌شویم که جز زحمت مضاعف و فشار غیر قابل جبران برای گروه‌های هدف، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. در یک مقطعی نگرانی‌ها برای تعیین تکلیف هویتی و تابعیتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی هم زمان با تصویب برنامه‌ها و الگوهای جهانی برای تغییر قوانین مدنی کشورها و توافق‌های چهارگانه بین‌المللی بوده‌ای به سمت کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفت، افزایش یافت و ادعاهایی شکل گرفت که معتقد بودند فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با اتباع خارجی فاقد هویت و تابعیت هستند اما اصولاً این ادعا از بنیان اشتباه بود چراکه حداقل ۹۸ درصد از این فرزندان هم هویت داشتند و هم امکان برخورداری از تابعیت پدران‌شان وجود داشت اما به دلیل موانع و روند‌های اجرایی طولانی و زمانبر و به خصوص ازدواج‌های غیرقانونی صورت گرفته با اتباع فاقد مدارک ورود و اقامت در ایران، اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از مادر ایرانی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود اما دولت یازدهم و مجلس دهم با کمک شتاب‌دهنده‌های بخش خصوصی‌اش، قانونی را به تصویب رسانید که نتیجه حداقلی‌اش افزایش ازدواج‌های غیرقانونی و طبیعتاً افزایش تعداد فرزندان بالاتکلیف است که نه تنها دسترسی آنها به حقوق انسانی دچار خدشه می‌شود بلکه برای نظام سیاسی و اجتماعی نیز مخاطرات جدی به همراه خواهد داشت. به معنای دیگر تصمیمات شتاب‌زده‌ای که به نام حقوق زنان ایرانی شکل گرفت، به آفتی برای حفظ و حمایت از حقوق زنان ایرانی و افزایش کمی و کیفی مشکلات فرزندان حاصل از این دست ازدواج‌ها تبدیل شد.

خیلی از مناطقی که این ازدواج‌ها در آنجا صورت می‌گیرد اصلاً باوری به ثبت ازدواج ندارند، حتی ازدواجی که بین دو ایرانی صورت می‌گیرد. این مسئله موجب شکل‌گیری پدیده افراد بدون شناسنامه

شده است، یعنی جمعیتی که هیچ کجا شمرده نمی‌شوند و جمعیتی که پنهان هستند و این می‌تواند به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی متعددی منجر شود.

پیشنهاد شما برای این ماجرا چیست؟

در همه جای دنیا با شدت و ضعف‌های مختلف با قانون‌گریزی و سوءاستفاده از قانون روبه‌رو هستیم اما همه نظامات حکمرانی شایسته به دنبال شناسایی و کنترل حوزه‌های قانون‌گریز و افزایش محدوده‌های اعمال قانون، اصول و روابط قانونی در کشورهای شان هستند و حتی با وضع جرّاتیم و تنبیهات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تلاش می‌کنند از بروز رفتارها و کنش‌های غیرقانونی جلوگیری کنند. از سال ۱۳۱۰ که قانون ثبت نکاح تصویب و به مورد اجرا گذارده شد، هن‌تبعه‌های سنگین و اقدامات مؤثری از سوی دولت‌های مختلف صورت گرفت تا مسئله ثبت ازدواج‌ها در کشور و در میان اقوام مختلف که به دلیل از ثبت نکاح خودداری می‌کردند جا بیفتد و تبدیل به یک امر قطعی شود که خوشبختانه این اتفاق حتی در نقاط دورافتاده شهر و روستایی به عنوان یک مسئله حتمی و قطعی افتاده است و بسیار جمعیتی که به عنوان بی‌شناسنامه ناشی از ازدواج زن و مرد ایرانی وجود دارد، به قدری رنجناپذیر است که حتی در آمار هم نمی‌آید. متأسفانه بخش عمده و کثیر بی‌شناسنامه‌ها در کشور مربوط به ورود اسکان‌های غیرقانونی و طولانی مدت اتباع خارجی، خرید و فروش‌های اسناد رسمی، ازدواج‌های غیررسمی زنان و دختران ایرانی با اتباع خارجی و البته بخشی هم به دلیل جاب‌جایی‌های مرزی در سده‌های گذشته است. بسیار طبیعی است که افراد فاقد هویت رسمی

در یک کشور می‌توانند به عواملی برای بر هم زدن نظم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی و امنیتی آن کشور تبدیل شوند که ضرورت تا شناسایی هویتی این افراد و تعیین تکلیف تابعیت واقعی آنها در حوزه سرزمینی از اهمیت بالایی برخوردار است.

سؤال من مشخصاً درباره تعیین تکلیف بچه‌های حاصل از این ازدواج‌هاست. چه می‌توان کرد که هم به مهاجران غیرقانونی تسهیلات داده نشود و هم این بچه‌ها تعیین تکلیف شوند؟

مراجعه به قوانین اصولی و اهتمام برای اجرای کامل و دقیق آنها به مرور زمان می‌تواند هم روند ازدواج‌های غیرقانونی را محدود و هم بن‌بست فعلی فرزندان حاصل از ازدواج‌های دولیتی را باز کند. ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی که در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی به تصویب رسید، اتفاقاً در مقطعی از تاریخ بود که بسیاری از زنان و دختران ایرانی از روستاها و مناطق مرزی خرید و فروش و به کشورهای همسایه قاچاق می‌شدند. قانونگذار با وضع قانونی که شاید در ظاهر امر سختگیرانه باشد اما در عمل به دلیل شرایط اضطرار و استیصال اقتصادی و اجتماعی که غالب خانواده‌هایی که به دلیل فقر دختران‌شان را در اختیار خارجی‌های می‌گذارند، دولت را ملزم کرد به منظور حمایت و حفظ حقوق زنان ایرانی، هر گونه اعطای خدمات ثانویه را منوط به بررسی و تأیید صلاحیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرد خارجی کند تا شان و عزت زن ایرانی در ازدواج با اتباع خارجی مورد صدمه و آسیب قرار نگیرد. در این شرایط، مکانیسم‌های تعیین سرنوشت فرزندان حاصل از این دست ازدواج‌ها هم تعریف مشخصی می‌یابد و از همه مهم‌تر فرصت‌های سوءاستفاده اتباع خارجی از زنان ایرانی به حداقل می‌رسد.



«سه دختر گل فروش»

تلخ و شیرین ۸ سال دفاع مقدس

کتاب «سه دختر گل فروش» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه به قلم مجید قیصری است که درباره اتفاقات تلخ و شیرین جنگ ایران و عراق و احوالات رزمندگان و خانواده‌های آنان سخن می‌گوید. گفتنی است این کتاب نامزد جایزه ادبی شهید غنی‌پور و برنده جایزه قلم زرین شده است. مجید قیصری را می‌توان از معدود نویسندگان حوزه دفاع مقدس دانست. او نگاهی انتقادی و جدید به مسئله جنگ دارد و تلاش می‌کند تصویری فانتزتری از اثرات جنگ ارائه دند.

کتاب سه دختر گل فروش نیز از این قاعده مستثنی نیست. این کتاب که از ۲۶ داستان کوتاه و یک داستان بلند تشکیل شده، همگی به تبعات جنگ هشت ساله ایران و عراق بر زندگی، ذهن و روان رزمندگان و خانواده‌های آنان پرداخته است.

رزمندگانی که هر یک از نقاط دور و نزدیک کشور به مناطق حساس و جنگی آمدند تا از خاک وطن دفاع کنند اما افسوس که برخی از آنها به اسارت درآ می‌دند و برخی دیگر به شهادت رسیدند، با این حال خانواده‌های آنان و نسل‌های بعدی جنگ نیز از اثرات گوناگون این مسئله در امان نبودند و قیصری نیز به عنوان یک نویسنده دغدغه‌مند، در این مجموعه داستان شخصیت‌ها و سوزهای ناب و جذابی را خلق کرده که شنیدن هر یک از آنها می‌تواند به عمیق‌تر شدن دیدگاه‌های ما منجر شود.

سه دختر گل فروش، برنده جایزه چهارمسن دوره قلم زرین شده است. نویسنده این کتاب یکی از پرکارترین و قوی‌ترین نویسندگان چند دهه گذشته است که موضوع داستان‌هایش همگی به سه‌سال جنگ ایران و عراق و مسائل دینی مربوط می‌شود. مجید قیصری از اوایل دهه ۷۰ به طور جدی وارد فضای داستان‌نویسی شد.

این نویسنده ایرانی پس از سال‌ها نوشتن در حوزه دفاع مقدس سراغ موضوعات روز اجتماعی و دینی رفته است. قیصری دور بخش‌های زنان کوتاه‌بلند بزرگسال یازدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره، داور بنچمین دوره جایزه ادبی هفت اقلیم در سال (۱۳۹۲) و داور بخش داستان جشنواره قند پارسی بوده است.

اگر از طرفداران داستان کوتاه هستید و به حوزه دفاع مقدس و سال‌های جنگ علاقه دارید، شنیدن این مجموعه داستان برای لذت بخش گل‌فروشی می‌خوانیم:

«وقتی که دیدم تان، خیالم راحت شد. شاید شما هم همینطور. می‌دانم که مراد دیدم، همه چیز دست گیر تان شد، یعنی همه خانواده‌هایی که سفر کرده دارند، چشم به راهند، هر سد به اینکه پرس آدم رفته باشد جنگ طاعت مردها این موقع وقت‌ها بیشتر است. حقیقتش با ساک را می‌شناسم. می‌شناسید که؟ همان ساک برزنتی که با نوار قرمزی حاشیه‌دوزی شده. از ترسم ماشین را در کوچه پشتی پارک کردم. گفتید مادر بچه‌ها نیست، آدمم تو، وگرنه نمی‌آدمم. می‌دانید دادن این جور خبرها یک جور مهارت می‌خواهد. مرا هم که فرسوده‌ام توی رودربایستی ماندم. گفتند بچه محله‌شانی. گفتند از تعاون منطقه بر نمی‌آید وگرنه نمی‌آدمم».

■ **حمایت از خانواده و افزایش جمعیت فرزندان آوری اولویت سند تحول در حوزه زنان و خانواده**

زینب اختر، مشاور وزیر و مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور از تهیه و تدوین سند تحول در حوزه زنان و خانواده خبر داد و گفت: در سند مورد اشاره، اولویت مهم مربوط به این حوزه مشخص شده و دو محبث اساسی مطرح شده در آن حمایت از خانواده و افزایش جمعیت و فرزندآوری است.

■ **خرز علی: قوانین حوزه زنان و خانواده نیازمند اصلاح و تنقیح است**

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه قوانین حوزه زنان و خانواده نیازمند اصلاح و تنقیح است، گفت: شرایط فعلی و مطالبات جامعه ایجاب می‌کند نسبت به حوزه‌های مهم مربوط به این حوزه مشخص شده و برنامه‌ریزی بهتر به این حوزه بپردازیم.

وی با بیان اینکه در مجموع مسائل زیادی از جامعه در حوزه زنان و خانواده احصا شده است، اظهار داشت: ازدواج و طلاق، کرامت زن، آموزش و اشتغال، زنان سرپرست خانوار، بهداشت و سلامت، اوقات فراغت، فضای مجازی، پیشگیری از آسیب‌ها، ارتقای ساختار خانواده، موضوع جوانی جمعیت، کودک و محیط زیست از جمله موارد مهمی بود که در این زمینه رصد و شناسایی شد.